

حکومت‌مندی مدرن در ایران عصر ناصری: ظهور جمعیت و فنون اداره آن

علیرضا صدرا^{۱*}، قاسم نعمتی^۲

^۱ استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

هدف از این نوشتار، تبارشناسی دقیق رخدادهای تاریخی خردی است که ابعاد و زوایای مختلف دولت مدرن در ایران معاصر را شکل داده، و ویژگی‌های مهم و مشاهده‌شدنی در دولت‌های کنونی به آن بخشیده‌اند. متفاوت از بیشتر نظریه‌پردازان دولت، در این پژوهش استدلال شد که تبار فکری و گفتمانی دولت مدرن در ایران به نیمه دوم سده نوزدهم و به‌طور ویژه به عصر ناصری بازمی‌گردد؛ و می‌توان این واقعیت را در میان برخی رویدادهای فراموش‌شده و گاه حاشیه‌ای جست‌وجو کرد. بر این اساس، پرسش‌های پژوهشی زیر مطرح شدند: ۱. چه شرایطی سبب پیدایش دولت مدرن در ایران سده نوزدهم و به‌ویژه عصر ناصری شد؟ ۲. چگونه رویدادهایی مانند کمپابی مواد غذایی به تغییرات جمعیتی و پیدایش دولت مدرن منجر شدند؟ با الهام از مفهوم حکومت‌مندی فوکو، در فرضیه پژوهشی بیان شد که وقوع برخی رویدادها (همه‌گیری و ناامنی غذایی) سبب ظهور انگاره جدید جمعیت و در پی آن تغییر در فنون حکمرانی و گذار به حکومت‌مندی جدید دولت در ایران شد که مبتنی بر سامانه امنیت و نیز سامانه تنظیمی - انضباطی بود. جمعیت به‌منزله سوژه نیازها، و تمایلات در دستان حکومت پدیدار شد، و موضوع فنون جدید حکومت واقع شد. با اتکا به روش گردآوری و تحلیل شواهد تاریخی و داده‌های کیفی موجود در رساله‌های سیاسی، خاطرات، اندرزنامه‌ها و سفرنامه‌های سده نوزدهم، و نیز در متون سیاسی مرتبط با شکل‌گیری دولت مدرن در ایران درستی فرضیه تاثیرگذاری رخدادهای تاریخی خرد بر پیدایش دولت تأیید می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ایران، دولت مدرن، عصر ناصری، همه‌گیری، کمپابی یا کمبود مواد غذایی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: sadra@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۲ بهمن ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۲۳ اسفند ۱۴۰۰

۱. مقدمه

دولت مدرن در ایران، تاریخی دیرپا ندارد و از حدود نیمه سده نوزدهم، زاده شده و تداوم یافته است. در این مدت، بر اثر شرایط داخلی و خارجی، ماهیت و ویژگی‌های مشخصی پیدا کرده است. به این دلیل، افزون‌بر ترکیب حکمرانی سنتی و مدرن، گفتمان‌ها و سازوکارهای مختلف دولت مدرن نیز روی هم بار شده و نمای عمومی دولت در جامعه معاصر ما را ساخته است. برای پی بردن به این ماهیت ویژه دولت مدرن در ایران به تبارشناسی دقیق آن نیاز داریم تا نشان دهیم پدیده‌ای که امروزه، عنصر و جزئی مهم از زندگی ماست، چگونه وضعیت فعلی خود را یافته است. بسیاری از نظریه‌پردازان، تشکیل دولت مدرن در ایران را به استقرار مشروطه یا برآمدن پهلوی اول مربوط می‌سازند.^۱ در این پژوهش برآنیم که تبار فکری و گفتمانی و به‌عبارت دیگر، شرایط امکان دولت مدرن در ایران به دهه‌های پیش از مشروطه و به‌طور ویژه به عصر ناصری بازمی‌گردد و بررسی آن برخلاف تاریخ‌های رسمی مستلزم پژوهش دقیق و جست‌وجو در میان رویدادهای مرزی و حاشیه‌ای خواهد بود.

وقوع برخی رویدادهای به‌ظاهر کم‌اهمیت و حاشیه‌ای در نیمه عصر ناصری، سبب ظهور انگاره جدید جمعیت شد، که از پیامدهای مهم آن تغییر روش‌ها و سازوکارهای حکمرانی برای اداره هرچه بهتر جمعیت بوده است، زیرا برخلاف گذشته که جمعیت بدون اعتبار و اصالت به‌شمار می‌آمد و وجودش به شخص حاکم وابسته بود، اکنون به یکی از عناصر عمده قدرت دولت تبدیل شده است که به دیگر عوامل اعتبار می‌بخشد. بر این اساس، پرسش‌های پژوهشی عبارت‌اند از: ۱. چه شرایطی سبب پیدایش دولت مدرن در ایران سده نوزدهم و به‌ویژه عصر ناصری شد؟ ۲. چگونه رویدادهایی مانند همه‌گیری‌ها و کمیابی مواد غذایی به پیدایش جمعیت و پیدایش دولت مدرن منجر شدند؟

با الهام از مفهوم حکومت‌مندی میشل فوکو^۲ (۱۹۸۴-۱۹۲۶)، که از جمله ساخته‌های فکر متأخر او، بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۴ بود و دربرگیرنده بررسی فنون، فرایندها و رویکردهایی است که در چارچوب آن دولت‌ها بر تمام ابعاد زندگی شهروندان نظارت دارند، و با بهره‌گیری از روش تبارشناسی^۳، این فرضیه پژوهشی مطرح شده است که «وقوع برخی رویدادها

۱. به‌طور کلی سه دیدگاه در مورد پیدایش دولت مدرن در ایران مطرح می‌شود: ۱. برخی تکوین دولت مدرن در ایران را به زمان صفویه برمی‌گردانند، مانند والتر هینتس (۱۳۶۱) و نظام‌الدین مجیرشیبانی (۱۳۴۶)؛ ۲. گروهی دیگر، پیدایش دولت مدرن در ایران را به استقرار مشروطه در اوایل سده بیستم مرتبط می‌سازند، مانند سید جواد طباطبایی (۱۳۹۸)؛ سرانجام گروه سوم متفکرانی هستند که از تکوین دولت مدرن در ایران هم‌زمان با استقرار حکومت پهلوی اول بحث می‌کنند، مانند نقیب‌زاده (۱۳۸۶)، بشیریه (۱۳۸۰)، احمدی (۱۳۸۷ و ۱۳۸۶).

2. Michel Foucault

3. Genealogy

(همه‌گیری‌ها و کمیابی مواد غذایی) سبب ظهور انگاره جدید جمعیت و در پی آن تغییر در فنون حکمرانی و گذار به انواع حکومت‌مندی جدید دولت در ایران شد که در آغاز بر دو سامانه امنیت و تنظیمی - انضباطی مبتنی بود. در این پژوهش، بر رخداد‌های خرد و اتفاق‌های آغازگر (آبله و کمبود غلات) که بر ابعاد و زوایای مختلف شکل‌گیری دولت مدرن در ایران معاصر تأثیرگذار بوده و ویژگی مشخصی به آن بخشیده‌اند، تأکید می‌شود. هرچند عوامل و مؤلفه‌های دیگری، مانند توسعه تدریجی شهرها یا تحدید حدود مرزهای کشور در این دوره نیز به ظهور جمعیت و تحول مفهوم دولت در ایران کمک کرده‌اند، اما با توجه به هدف پژوهش، بر دو رخداد مورد اشاره در فرضیه پژوهش تأکید می‌شود. با اتکا به روش گردآوری و تحلیل شواهد تاریخی و داده‌های کیفی موجود در رساله‌ها و اسناد سده نوزدهم، و نیز در متون سیاسی مرتبط با شکل‌گیری دولت مدرن در ایران، تلاش می‌شود تا پاسخ‌های مناسبی برای پرسش‌های پژوهشی ارائه شود.

با بررسی ادبیات پژوهش درمی‌یابیم که تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی شرایط امکان حکومت‌مندی مدرن در ایران عصر ناصری با در نظر گرفتن ظهور انگاره جمعیت و سازوکارهای اداره آن نپرداخته است. سید جواد طباطبایی بر این نکته تأکید می‌کند که برخلاف روش تبارشناسانه فوکو که بر شرایط امکان موضوع‌های جدید متمرکز است، در مورد ایران بر *شرایط/امتناع* آن تأکید دارد که تنها با استقرار مشروطه راه برون‌رفت از آن فراهم آمد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۶۰-۳۵۹). پژوهشگر دیگری در مقاله‌ای با عنوان «دولت مشروطه و حکومت‌مندی مکانیکی» عصر مشروطه را به‌مثابه عبور ایران از حکومت‌مندی متافیزیک (پیشامدرن) و ورود آن به عصر فیزیک و مکانیک قدرت (مدرن) می‌داند که در تاریخ ایران امری بی‌سابقه بوده است (اسلامی، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر با عنوان *انگاره‌های حکومت‌مندی مدرن در دوره پیشامشروطه*، درک مجدالملک از حکومت قانون، تفکیک قوه مقننه از مجریه و تأکید بر مفهوم ملت مانند فنون حکومت‌مندی مدرن در اندیشه‌های او تلقی شده است (حمیدی و ناصری، ۱۳۹۸).

۲. روش پژوهش و چارچوب نظری حکومت‌مندی جدید دولت

برای بررسی و تحلیل مسئله پژوهش از روش تبارشناسی بهره گرفته شده است. تبارشناسی، شیوه ویژه خود را برای «طرح مسئله» دارد. مسئله تبارشناسی، مسئله زمان حال است. فوکو، به‌عنوان یک تبارشناس، می‌نویسد که هدفش «نگارش تاریخ حال» است و درصدد «نوشتن تاریخ گذشته در قالب واژگان زمان حال» نیست (فوکو، ۱۳۷۸: ۴۳). نوشتن تاریخ زمان حال، با تشخیص این نکته است که آنچه اکنون هست، می‌توانست امکان‌های دیگر داشته باشد. در

تبارشناسی در پی گسست رویدادها هستیم. از دیدگاه تبارشناسی هیچ‌گونه ماهیت ثابت یا قاعده بنیادین یا غایت متافیزیکی وجود ندارد. آنچه هست، گسست‌ها و جدایی‌ها و شکاف‌هاست که در حوزه‌های گوناگون معرفتی وجود دارد. تبارشناسی، روشی مبتنی بر هستی‌شناسی^۱ پدیده‌هاست. در واقع، نگرشی است درباره ماهیت پدیده‌ها به‌مثابه هستی‌شناسی (Bielskis, 2009: 82). روش تبارشناسی فوکو، با مفهوم شرایط امکان ظهور چیزها و گفتمان‌ها ارتباط نزدیکی دارد (فوکو، ۱۳۹۳: ۱۵۰). مفهوم شرایط امکان به ما کمک می‌کند تا به مطالعه چگونگی ظهور یک تفکر یا پدیده در تاریخ بپردازیم. شرایط تاریخی امکان دولت مدرن در ایران باید بررسی شود. توجه به «شرایط امکان» ظهور چیزی در تاریخ، به این معناست که «ممکن» بود آن چیز ظاهر نشود، اما به هر حال، ظاهر شد. مفهوم «شرایط امکان»، نسبت بسیار نزدیکی با مفهوم «آغاز» دارد. گادامر (۲۰۰۲-۱۹۰۰)، در تعریف مفهوم آغاز تأکید می‌کند که بهتر است از «آغازندگی یا نوخاستگی»^۲ سخن گفته شود: «غرض از آغازنده یا نوخاسته بودن، این است که چیزی هنوز به هیچ معنایی و در مسیر هیچ غایتی و از جهت هیچ تصویری، معین و مشخص نیست؛ و هنوز بسیاری پیشامدها امکان‌پذیر است» (گادامر، ۱۳۹۰: ۱۴). در ادامه تأکید می‌کند: «مقصود من از آغاز، آن مرحله از زندگی انسان است که هنوز گام‌های ملموس و قطعی در جهت بالیدن و شکوفایی برداشته نشده است» (گادامر، ۱۳۹۰: ۱۵). به این ترتیب، برداشت گادامر از «آغاز» به وضعیتی اشاره دارد که در آن، «امکان‌ها»^۳ از پیش نامعلومی، هستی آن چیز در آغاز را پر کرده است. بر این اساس، در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تبارشناسی فوکو و مفهوم شرایط امکان، به تحلیل پیدایش حکومت‌مندی مدرن در ایران عصر ناصری می‌پردازیم.

بحث درباره دولت مدرن و مسائل ذیل آن از زوایای مختلف طرح‌شدنی است و نظریه‌ها و رویکردهای مختلف در مورد پیدایش و تکوین آن مطرح شده است. ماکس وبر دولت را اجتماعی از انسان‌ها می‌داند که در درون سرزمین معینی قرار گرفته است و انحصار در اعمال خشونت فیزیکی مشروع را دارد (سلیمی، ۱۳۹۴: ۶). او به‌طور ویژه بر ویژگی‌های نهادی و سازمانی دولت مدرن تأکید داشت (وبر، ۱۳۷۶: ۸۹). در اندیشه‌های مارکسیستی نیز، دولت به‌منزله ابزار طبقه حاکم در نظر گرفته می‌شود که به‌واسطه مالکیت و سلطه بر وسایل تولید، اعمال قدرت می‌کند (باتامور و دیگران، ۱۳۷۸: ۳۳۱). به هر حال، فوکو با بهره‌گیری از مفهوم پیچیده حکومت‌مندی^۳، رویکرد جدیدی را در تحلیل ماهیت دولت مطرح ساخته است. اگرچه

1. Ontology
2. Incipient
3. Governmentality

فوکو مفهوم حکومت‌مندی را با هدف بررسی دولت و قدرت، بدون بدیهی پنداشتن «جهان‌شمولی دولت» توسعه داد، نظریه وی امکان تحلیل این پرسش‌ها را فراهم می‌کند که چگونه و چرا دولت به ایفای نقش محوری ادامه داده است، درحالی‌که یک چیز خیالی، ساختگی یا گفتمانی است که کارکردهای گوناگون دولتی را به هم پیوند می‌دهد تا یک موجودیت مشخص به‌نظر برسد. برای فوکو این نکته مهم است که «دولت ماهیت وجودی ندارد. دولت به‌خودی‌خود عالم‌گیر نیست، و منبع خودگردان و مستقل قدرت نیست». دولت-یا آن چیزی که به‌طور معمول دولت نامیده شده و در مورد آن مطالعه می‌شود، چیزی جز تأثیر، نمایه، شکل دگرگونی‌پذیر یک دولت‌سازی^۱ دائمی نیست. دولت چیزی جز اثر متحرک رژیم‌ی از چندین حکومت‌مندی نیست (Foucault, 2010: 77 as cited in Jessen & von Eggers, 2020: 58). «دولت قلب ندارد؛ به این معنی که منطقه درونی‌ای ندارد». بنابراین «برخلاف نظر مارکس که می‌خواست اسرار وجودی دولت را از دل آن بیرون بکشد»، فوکو بر این باور است که «با خارج شدن از مسئله دولت، و با کاوش و تردید در آن بر پایه کردارهای حکومت‌داری» می‌توان به تحلیل دولت پرداخت (فوکو، ۱۳۹۰: ۱۱۴).

فوکو در یک معنا اصطلاح حکومت‌مندی را برای توصیف روشی ویژه از «اداره جمعیت» به‌کار می‌برد. از دیدگاه او، چیزی که موجب سهولت، شتاب رشد و گسترش حکومت‌مندی شد، پیدایش «مسئله جمعیت»^۲، یا به بیان دقیق‌تر، پیدایش فرایندی بود که از رهگذر آن علم حکومت، و سازماندهی درباره مضمون «اقتصاد» در حیطه‌ای غیر از حیطه خانواده، و در نهایت «مسئله جمعیت»، همگی به‌هم پیوند خوردند (اسمارت، ۱۳۸۵: ۱۶۹). هدف از حکومت‌مندی در اینجا، مدیریت یا تسهیل تأمین بهینه‌نیازهای اتباع حکومت است. این حکومت‌مندی جدید، به‌طور اساسی بر جمعیت استوار است و کانون توجه و علاقه حکومت به روابط انسانی است: ثروت و منافع، روش‌های زندگی، و همه اتفاقاتی که وضعیت بشری می‌تواند در برابر آنها آسیب‌پذیر باشد (مانند حوادث، بیماری‌های واگیردار، خشکسالی‌ها، قحطی‌ها و...). پیتیر میلر در تعریف حکومت‌مندی می‌نویسد: «حکومت‌مندی دلالت دارد بر روش‌هایی که سرشت‌نمای شکلی از نظارت دولت بر شهروندان، ثروتشان، فلاکتشان، آداب و عاداتشان است. حکومت‌مندی ... درصدد ارتقای شرایط جمعیت، افزایش ثروت آن، طول عمر و سلامت آن است» (میلر، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

فوکو استنباط می‌کند که ظهور جمعیت به‌عنوان یک شخصیت یا بازیگر^۳ جدید و بی‌سابقه نقش مهمی در پیدایش عقلانیت جدید سیاسی^۱ یا دولت مدرن داشته است. این شخصیت

1. Stification
2. Problem of Population
3. Personage

جدید از خلال پدیده‌های به‌طور آشکار جانبی، یعنی همه‌گیری، یا کمیابی غلات و سازوکارهایی که برای مقابله با آنها به‌کار گرفته شد، مطرح شد. این انگاره جدید جمعیت بنیان ثروت و قدرت دولت را تشکیل می‌دهد (Foucault, 2009: 67). با در نظر داشتن این ملاحظات نظری، ضمن بررسی رساله‌ها و اسناد باقی‌مانده از ایران عصر ناصری، به آزمون فرضیه پژوهشی مطرح‌شده در این نوشتار می‌پردازیم.

۳. جمعیت و حکومت‌مندی جدید ایران

۳.۱. مفهوم جمعیت در اندیشه قدیم

توجه به کاربرست انگاره جمعیت در تفکر سیاسی این نکته را آشکار می‌کند که این واژه به انحای مختلف در قدیمی‌ترین متون و رساله‌ها کاربرد داشته است. با این حال، این مفهوم همواره در معنایی سلبی و به‌طور اساسی منفی به‌کار رفته که بدون اصالت و اعتبار حقیقی بوده است و این شخص حاکم است که به‌واسطه ماهیت وجودی خود به آن اعتبار می‌بخشد. در ادبیات گسترده و تا حدی یکنواخت سیاست‌نامه‌ها یا اندرزنامه‌های ایران- دوران باستان و دوره اسلامی- شاه یا خلیفه، در منظومه قدرت، در موقعیتی استعلایی و ویژه نسبت به سرزمین و جمعیتی که بر آن حکم می‌راند، قرار داشت. مردم، «رعیت ناخودبسنده» یا «رمة» ای بودند که اجتماع، حیات، رفاه و سعادت آنها به شبان/سلطانی وابسته بود که به تقدیر الهی بر آنها حکم می‌راند. از این حیث، ماهیت کسی که قدرت در دست او بود، بدون لحاظ کردن خود قدرت یا روابط و مناسبات نیروها، مورد بحث قرار می‌گرفت. بنابراین، در اندرزنامه‌ها، بدون لحاظ کردن مردم یا جمعیت یک قلمرو، پادشاهان، اصل و اساس زندگی اجتماعی تصور می‌شدند که در عین حال به مردم زیر سلطه خود نیز اعتبار می‌بخشیدند (به جدول ۱ بنگرید).

بر این اساس، در فکر سیاسی قدیم ایران، جمعیت یا مردم از موضعی منفی و سلبی مورد توجه قرار می‌گرفت، به‌نحوی که شکوه و جلال پادشاهی موهبتی الهی و فرهی بود که خداوند به او عطا کرده بود و ربطی به دیگر انسان‌ها نداشت (مشکور، ۱۳۶۳: ۸۹-۸۸).

۱. مفهوم عقلانیت حکومت (Rationality of Government) در تفکر فوکو، نباید هیچ‌گونه ارزیابی هنجاری را به ذهن متبادر کند. از این حیث مفهوم عقلانیت کمتر به «عقل» مربوط می‌شود، و بیشتر به «رویه‌های تاریخی‌ای» که در سیاق آنها راهبردهای ادراکی و قضاوتی تولید می‌شوند، ربط پیدا می‌کنند؛ به این معنا هیچ اقدامی بدون نظامی عقلانی خاصی وجود نخواهد داشت (لمکه، ۱۳۹۵: ۲۷۹).

جدول ۱. ویژگی جمعیت در فکر سیاسی سنتی ایران مشاهده‌شده در اندرزننامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها

| اندیشمند / دیدگاه وی | رساله / منبع (سال قمری) | ایده نظری |
|---|--|--|
| خواججه نظام‌الملک طوسی: به نقل از بهرام گور: «رعیت ما رمه مانند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۴۷: ۳۴). | سیرالملوک (سیاست‌نامه) (۴۰۸-۴۸۵) | شاه- رعیت یا شبان- رمگی |
| امام محمد غزالی: «سلطان، سایه هیبت خدای است بر روی زمین، که سایه خدا و نماینده فرّ ایزدی است، نمی‌تواند محل صدور شر باشد، درحالی‌که، برعکس، بنیاد و قوام جمع رعیت بر فساد و شر است. یعنی که بزرگ و برگماشته خداست بر خلق» (غزالی، ۱۳۶۱: ۱۰۹ و ۴۰). | نصیحه‌الملوک (۴۰۵-۵۰۵) | ماهیت استعلایی پادشاه در برابر جمعیت |
| فیض کاشانی: شاه‌عباس دوم صفوی را «علت موجد» و «مقیه» اجتماع انسانی؛ «سلطنت» را امری اصیل، و «رعیت» را امری اعتباری به‌شمار آورد. به این دلیل، رستگاری رعیت جز از مجرای رستگاری سلطان امکان‌پذیر نیست (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۱۶۲-۱۶۱). | آئینه شاهی (۱۰۹۰-۱۰۰۷) | اعتباری و غیر اصیل بودن جمعیت |
| محمدباقر مجلسی: «حق رعیت بر پادشاه آن است که پادشاه بداند که ایشان برای این رعیت شده‌اند که ایشان را خدا ضعیف گردانیده و او را قوت داده است، پس واجب است بر او که در میان ایشان به عدالت سلوک کند، و از برای ایشان مانند پدر مهربان باشد» (مجلسی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۸۹). | عین‌الحیات (۱۱۱۰-۱۰۳۷) | تقدیرگرایی |

منبع: نگارندگان

۲. ۳. جمعیت به‌مثابه انگاره جدید

وقتی از «ظهور جمعیت»^۱ به‌مثابه بازیگری جدید و بی‌سابقه یاد می‌شود، به این معناست که جمعیت در وجه ایجابی و مثبت آن در رابطه با دولت در نظر گرفته می‌شود، که پدیده‌ای مدرن است. جمعیت در این معنا، افزون‌بر اینکه منبع قدرت دولت و پادشاه است، عنصری است که تمام عناصر دیگر قدرت را مشروط می‌سازد. جمعیت ضامن نیروی انسانی کافی، وفور محصول و تولید، قیمت ارزان محصول و در نهایت، عنصری بنیادین در قدرت دولت است. جمعیت به‌عنوان سوژه صاحب حق مورد توجه دولت قرار می‌گیرد، به‌نحوی که کل جمعیت یک قلمرو، از لحاظ عمل به قوانین موضوعه، با بالاترین مقام کشور برابرند. فقط به

۱. سید جواد طباطبایی در جایی دیگر و به مناسبتی دیگر در مورد «نوآیین شدن شئون کهن حکمرانی در ایران با استقرار مشروطه» و نو شدن مفاهیم قدیم، از اصطلاح «قدیم در جدید» استفاده کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۹). باری، این یک قاعده است که تجدد به معنای «خلق از عدم» نیست، بلکه زمانی رخ می‌دهد که قدیمی وجود داشته باشد و آن «قدیم، جدید فهمیده شود» (فیرحی، ۱۳۹۹: ۱۵). طبق این قاعده در این پژوهش، مفهوم «ظهور جمعیت» emergence of population را به‌کار برده‌ایم و هدف از کاربرد این انگاره، این نیست که پیش از آن در ایران «جمعیت» وجود نداشته است، بلکه به این معناست که دریافتی جدید و نو از مفهومی قدیمی حاصل شده است. به‌عبارت دیگر، اعتباری جدید از امری کهن است.

این شرط جمعیت، می‌تواند بنیان ثروت و قدرت دولت باشد که در چارچوب سامانه‌ای تنظیمی^۱ قرار گیرد تا فعالیت‌های این بازیگر جدید را بسامان و منظم کند، مانع از مهاجرت آنها به خارج از مرزها شود، محصولات مفید و صادرشدنی را مشخص سازد، چیزهایی که باید تولید شوند، ابزارهای تولید و دستمزدها را معین کند، البته از تنبلی و ولگردی جلوگیری کند (فوکو، ۱۳۹۹: ۱۱۷-۱۱۶). برای این منظور به آمار و سرشماری متوسل شدند و به کمک آن پی بردند که جمعیت قاعده‌مندی‌های ویژه خود را دارد: شمار متولدین و مرده‌ها، شمار بیماری‌ها و نظم حوادث. همچنین متوجه شدند که جمعیت دارای اثرهای ویژه تجمع است؛ بیماری‌های واگیردار بزرگ، بیماری‌های بومی، مارپیچ کار و ثروت (فوکو، ۱۳۹۳: ۲۵۶). چنانچه به رساله‌های سیاسی، خاطرات و سفرنامه‌های عصر ناصری توجه شود، این تحول تدریجی نگرش نسبت به جمعیت مشاهده‌شدنی است. جمعیت در تفسیرهای جدید، به‌مثابه یکی از عناصر بنیادین شکوه و جلال دولت مطرح می‌شود که شایسته است از زمان تولد تا مرگ او به‌دقت توسط دولت مورد توجه قرار گیرد (به جدول ۲ بنگرید).

جدول ۲. مختصات جمعیت در رساله‌های عصر ناصری

| ایده نظری | رساله / منبع (سال به قمری) | اندیشمند / دیدگاه وی |
|--|------------------------------------|--|
| جمعیت/ رعیت رکن قوام‌بخش دولت | رساله سیاسی - انتقادی (۱۲۸۷) | محمدحسین دبیرالملک فراهانی: «قوایم اربعه دولت» که باعث انتظام امور می‌شود، عبارت‌اند از «تطبیق مداخل و مخارج»؛ «انتظام قشون»؛ «ترفیه رعیت و ازدیاد حرفت و صنعت و تجارت»؛ و تنظیم «پولتیک دولتی» (دبیرالملک فراهانی، ۱۳۵۶: ۴۲۲) و «شوکت و شأن و قدرت دولت و آبادی مملکت منوط به تأمین و آسایش رعیت است» (دبیرالملک فراهانی، ۱۳۵۶: ۲۴۱). |
| برابری مردم و پادشاه در عمل به قوانین | منهاج‌العلی (۱۲۹۲) | ابوطالب بهبهانی: «سلاطین مطلقه مستقله مثل امپراطور روس چنان به حکم قانون قراری محکم و متین گذاشته‌اند که ... وزرای ایشان در نهایت اقتدار قادر نیستند که به قدر ذره از تکالیف خود تجاوز کنند. امپراطورهای آن دول مستقله، به‌نوعی خود را تابع قانون خودشان ساخته‌اند که مطلقاً در تکالیف با سایر ناس فرق ندارند و حال آنکه اعلی درجه اختیار را دارند (بهبهانی، ۱۳۸۹: ۴۰). |
| تضمین آزادی‌های اساسی مردم | | ابوطالب بهبهانی: «محکم‌ترین اساس که ... به جهت ترقی و ثروت و مکت دولت و ملت و آبادی مملکت دریافته‌اند، حریت است». یک قسم آن «آزادی سیاسی» است که براساس آن «ملت آزاد است در اینکه مداخله داشته باشد و مباحثه کند در احکام سیاسی و جمیع کارهای دولت» (بهبهانی، ۱۳۸۹: ۴۹-۴۵). |
| منافع و فواید عمومی درآمدهای دولت | کتابچه مداخل و مخارج (۱۲۹۴) | میرزا ابراهیم نواب بدایع‌نگار: «پرداخت مالیات از سوی رعایا به دیوان و مداخل مرابحات» باید برای «عموم خلق» منفعت داشته باشد و اگر «در اروپا رسوم مرابحات» دایر است، به‌دلیل |

1. Regulatory Apparatus

| ایده نظری | رساله / منبع (سال به قمری) | اندیشمند/ دیدگاه وی |
|--------------------------|--------------------------------------|---|
| | | «منافع و فواید عمومی آن» است و در راه «تنظیمات مستحسنة»، مانند «رونق تجارت و صنعت»، به‌کار می‌آید؛ که «مایه اطمینان و اعتماد خلق» و «قدرت و شوکت دولت» می‌شود (به نقل از آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۲۴۰). |
| رضایت مردم شرط بقای دولت | سفرنامه حاج سیاح به فرنگ (۱۲۵۲-۱۳۴۳) | حاج محمدعلی سیاح محلاتی: او از یک فرانسوی، علت مخالفتشان با ناپلئون سوم را می‌پرسد، پاسخ می‌دهد: «مخالفان] بسیارند و او ... این اجتماع سلاطین [کنگره ۱۸۵۶ پاریس] را اسباب کرده که مسلط‌تر شود و رعیت را از اتفاق دول بترساند ولی خیال باطل است، بعد از آنکه رعیت خوشحال نباشند اتحاد دول چه حاصل دارد؟ رعیت باید از دولت خود خشنود و راضی باشد» (حاج سیاح، ۱۳۶۳: ۱۶۴). |
| آموزش و تربیت عمومی مردم | کتاب احمد با سفینه طالبی (۱۳۰۷) | عبدالرحیم طالبوف تبریزی: او بر اهمیت علوم جدید و تعلیم کودکان و تأسیس مدارس جدید توسط دولت تأکید می‌کند و ضمن انتقاد از «بی‌نظمی اوضاع تعلیم ایران»، می‌نویسد در فرنگ عموم مردم «از طفولیت مشق و تعلیم» داده می‌شوند. خیریه‌ها نیز به کمک دولت آمده و هزینه «تعلیم اطفال یتیم و ابن‌سبیل» را تأمین می‌کنند (طالبوف تبریزی، ۱۳۵۶: ۲۳-۲۲). |

منبع: نگارندگان

این دیدگاه‌ها، ایده‌های جدیدی بودند که در جامعه آن زمان مطرح می‌شدند و از ظهور جمعیت با اعتباری جدید خبر می‌داد، و در نتیجه تلاقی با رویدادی مختلف، به برآمدن فنون، سازوکارها و نهادهای جدید (مانند مجلس حفظ‌الصحة، پلیس، دارالفنون، دارالشورای کبرای دولتی) برای اداره بهتر مردم می‌انجامید که در زمره قواعد حکومت‌مندی جدید به‌شمار می‌آیند. با توجه به چارچوب نظری و فرضیه پژوهش حاضر، به دو رویداد حاشیه‌ای یا مرزی^۱ این دوره پرداخته می‌شود که این امکان را فراهم ساختند که مفهوم قدیمی جمعیت با اعتباری جدید نمایان شود. این دو رویداد یکی «همه‌گیری آبله» و دیگری «کمیابی یا کمبود غلات» است^۲ که توجه حکومت را به مسائل جمعیتی جلب می‌کرد.

۴. همه‌گیری و ظهور جمعیت

ویلیام مکنیل، در طاعون‌ها و مردم تصریح می‌کند که تاریخ سیاسی هر کشور، پیروزی و شکست‌هایش با سطح زندگی و تندرستی مردم آن کشور تناسب مستقیم دارد، و تاریخ‌نویسان

1. Marginal

۲. اپیدمی و کمیابی یا کمبود ضروریات زندگی مانند غلات، یک بحران (Crisis) یعنی اختلال در ساختارهای حاکم بین انسان و طبیعت در نظام حکمرانی است که در بلندمدت شرایط را برای یک رویداد (Event) فراهم می‌سازد. وقتی ساختارها مختل می‌شوند، رویدادها اتفاق می‌افتند (Harding, 2005: 97). از تلاقی رویدادها و ایده‌ها نهادهای جدید شکل می‌گیرند (Tierney, 1982).

از درک این رابطه غافل مانده‌اند (MacNeil, 1976: 153). امراض و بلاهای مختلف همه عرصه‌های زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده و به تغییرات بزرگ منجر شده‌اند. در این میان، حکومت و سیاست بیشترین تأثیرپذیری را داشته‌اند، به نحوی که سبب دگرگونی در فنون و سازوکارهای اجرایی دولت می‌شوند. برخی از این بیماری‌ها با عنوان پاندمی یا اپیدمی^۱ معرفی می‌شوند. گسترش بیماری‌های بومی و دیگر بیماری‌های متداول دوره قاجاریه به دلیل وجود وفور حشرات ناقل و نیز غذا و آب آشامیدنی غیربهداشتی بود (خدارضایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳)، که از بی‌توجهی حکومت به بهداشت عمومی و سلامت مردم ناشی می‌شد. از دیدگاه جهانگردان غربی، چالش‌های بزرگ بهداشت عمومی در ایران عصر قاجار شامل مقاومت‌های مردم، کارشکنی‌های حکام محلی و مخالفت‌های برخی پزشکان سنتی بود (علیجانی، ۱۳۹۳: ۴۲).

بیماری آبله بومی ایران بود. این بیماری معضل بزرگی برای جامعه ایران عصر ناصری به‌شمار می‌آمد و از فراگیرترین بیماری‌های مرگبار در بین بیماری‌های شناخته‌شده آن زمان بود، زیرا به گزارش یاکوب ادوارد پولاک^۲ «آبله در مرگومیر فراوان کودکان و در نتیجه کاهش جمعیت سهم اساسی دارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۴۶۵). جیمز موریه، اشاره می‌کند که هر ساله آبله تلفات زیادی میان ایرانیان به‌جا می‌گذاشت (Morier: 1937: 191). شگفت‌انگیز است که واکسن آن موجود بوده و در ایران هم شناخته شده بود.^۳ بنا به گزارشی در ۱۸۰۴، آندرو جوکس جراح انگلیسی، شماری از کودکان را به درخواست مادرانشان در بوشهر آبله‌کوبی کرد، اما حاکم و برخی از طرفداران طب سنتی نسبت به کارهای وی اخطار دادند و موضع تندی گرفتند و مانع از ادامه کار شدند (Wright, 2001: 123). ویلیام کورمیک، پزشک مخصوص ولیعهد، نخستین پزشک خارجی بود که به‌وسیله تزریق واکسن آبله گاوی علیه این بیماری در ایران اقدام کرد. ابتدا فرزندان عباس‌میرزا را آبله‌کوبی کردند؛ و پس از آن جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر در ایالت آذربایجان علیه آبله واکسینه شدند (Barjasteh et al., 2003: 36-38). با روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه در نیمه سده نوزدهم، و صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر، شرایط به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. امیرکبیر

۱. سازمان بهداشت جهانی به شیوع منطقه‌ای یک بیماری همه‌گیری می‌گوید که ناظر بر محدودیت جغرافیایی آن بیماری است و حالت پاندمی را شیوع یک بیماری جدید در تمام جهان تعریف می‌کند که افراد زیادی را درگیر سازد (World Health Organization, 2020).

2. Jacob Edward Pollock

۳. ویلم فلور (Willem Floor) (۱۹۴۲)، تصریح می‌کند که پیش از روی کار آمدن قاجارها، در برخی مناطق ایران از جمله بلوچستان مردم با گونه‌های نخستین مایه‌کوبی آبله آشنا بودند، هرچند احتمال دارد که اطباء ایرانی و حکومت مرکزی از وجود این گونه واکسن‌ها در مناطق مرزی خود بی‌خبر بوده باشند (فلور، ۱۳۸۶: ۴۵).

«قانون آبله‌کوبی عمومی» را وضع کرد و برای آگاه ساختن مردم در روزنامه وقایع/اتفاقیه اعلام شد:

در ممالک محروسه، ناخوشی آبله عمومی است که اطفال را عارض می‌شود که اکثری را هلاک می‌کند، یا کور و معیوب می‌شوند. در خصوص اهل دارالمرز که در همین دارالخلافه ملاحظه می‌شود ... اطباء چاره این ناخوشی را باینطور یافته‌اند که در طفولیت از گاو آبله برمی‌دارند و به طفل می‌کوبند و آن طفل چند دانه آبله بیرون می‌آورد و بی‌زحمت خوب می‌شود. اولیای دولت علیه کسان برای یاد گرفتن این فن شریف گماشته‌اند که بعد از آموختن بجمیع ممالک محروسه مأمور نمایند (کتابخانه ملی، ۱۳۷۳: ۱۳).

پولاک، می‌نویسد: «چون امیر به افزایش جمعیت مملکت علاقه‌مند بود، علیه بیماری آبله کارها کرد. آبله‌کوبی را در سرتاسر ایران مرسوم ساخت» (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۴۹). قانون آبله‌کوبی کودکان همگانی و اجباری بود. به دستور صدراعظم، رساله‌ای در این مورد از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد، و به چاپ رسید تا برای آموزش عمومی مردم از آن استفاده شود (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۳۳). در روزنامه وقایع/اتفاقیه آمده بود: «امنای دولت علیه ... قرار گذاشته‌اند که اگر خانواده‌ای بچه خود را آبله نکوبد، مورد مواخذه دیوانیان بشود» (کتابخانه ملی، ۱۳۷۳: ۲۳۷). به این ترتیب، سلامت مردم موضوع سازوکارهای حکومتی قرار گرفت و برای کنترل بیماری آبله فنون و روش‌هایی به‌کار گرفته شد که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود.

در این واکسیناسیون، روش‌هایی با ویژگی‌های چهارگانه وجود داشت که در مقایسه با فعالیت‌های پزشکی زمانه خود غیرعادی به‌شمار می‌آمد. این ویژگی‌ها عبارت بودند از: ۱. این روش‌ها پیشگیرانه بود؛ ۲. موفقیت آنها به‌طور تقریبی قطعی و یقینی بود؛ ۳. بدون مشکلات عمده مادی و اقتصادی می‌شد آنها را به کل جمعیت تسری دارد؛ ۴. برتری مهم واکسیناسیون پیش از هر چیز این بود که برای هر نظریه پزشکی سنتی ایران بیگانه بود. موفقیت واکسیناسیون یا مایه‌کوبی آبله براساس عقلانیت پزشکی زمانه تصورناشدنی بود.

بنابراین، روش‌هایی وجود دارند که می‌توانند تعمیم یابند، یقینی‌اند، بازدارنده‌اند و برحسب نظریه پزشکی زمانه خود درک‌نشده هستند. برخلاف تکنیک‌های پزشکی سنتی، آنچه در مایه‌کوبی برجسته بود، به‌ویژه در مورد مایه‌کوبی بیش از واکسیناسیون، این است که مایه‌کوبی نمی‌کوشید از آبله جلوگیری کند، بلکه می‌کوشید آن را در افراد مایه‌کوبی‌شده برانگیزد، اما با شرایطی که الغای بیماری همزمان با مایه‌کوبی حادث شود، تا به این ترتیب، به بیماری تام و تمام منجر نشود. این نوعی سازوکار جدید امنیت با روش‌ها و قواعد ویژه خود بر جمعیت اعمال می‌شود. حکومت باید برنامه‌هایی را تنظیم کند و به اجرا بگذارد که با سازوکارهای مختلف بتواند سلامت مردم را تضمین کند.

به احتمال زیاد، افزایش شمار رساله‌های پزشکی در این دوره نقش مهمی در تغییر نگرش در خصوص سرنوشت جمعیت داشته است که این مسئله نیز در نتیجه تغییر در بینش پزشکی نسبت به عموم مردم حاصل شد، به نحوی که تلاش زیادی برای حفظ بهداشت و سلامت مردم به عمل آوردند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۶: ۶۳-۵۹). این بار نخست نبود که پزشکان دربار به معالجه عوام نیز می‌پرداختند، اما به یقین با تصویب و اجرای قانون آبله‌کوبی عمومی، نخستین بار بود که عوام را به چشم «جمعیت» و ابژه‌های حکومت نگاه می‌کردند که سلامت و بهداشت آنها مهم جلوه می‌کرد. به موازات تبدیل بهداشت عمومی به موضوع نگرانی دولت، مردم نیز به موضوع دانش پزشکی تبدیل شدند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۶: ۷۰-۶۴). برای درک این تحول فکری می‌توان به نمونه‌ای از اندرزنامه‌های پیشینیان اشاره کرد. عنصرالمعالی در *قابوسنامه*، خطاب به پزشکان دربار اندرز می‌دهد که «آنان می‌بایست به ممارست هنر خود به معالجه فقرا بپردازند، و معالجه باید که تجربه بسیار کند و تجربه بر مردم معروف و مشهور نکند، زیرا، اگر معالجاتشان اثربخش نباشد، جانشان در خطر نیست» (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵: ۱۵۷). با این اوصاف در عصر ناصری، سرنوشت جمعیت برای حکومت اولویت پیدا می‌کند؛ دولت قدرتش را بر انسان به‌منزله انسان که شایسته بهتر زیستن است اعمال می‌کرد. این‌گونه است که جمعیت در معنای جدید ظهور می‌کند.

۵. کمیابی غلات و ظهور جمعیت

کمیابی یا کمبود^۱ (مواد غذایی) عبارت است از ناکافی بودن «فعلی میزان غله مورد نیاز برای امرار معاش یک ملت». به عبارتی، کمبود غلات نوعی ویژگی قحطی و فقر است که مشخصه آن ایجاد روندی است که آن را بازتولید کرده و در غیاب سازوکاری که آن را متوقف می‌کند، بسط می‌یابد و شدیدتر می‌شود. چنین چیزی به‌طور دقیق زمانی اتفاق می‌افتد که اساسی‌ترین نیازهای جمعیت برآورده نشود. بی‌شک پیامدهای بلافصل و آشکار کمیابی نخست در مناطق شهری پدید می‌آید و به احتمال زیاد به شورش می‌انجامد (Foucault, 2009: 30).

در عصر ناصری، گرانی و قحطی نان و غلات، به‌عنوان معضل اساسی، بر روابط شاه و مردم تأثیر عمیقی داشت، و دولت بارها مجبور به عقب‌نشینی در برابر مردمی شد که بر اثر افزایش خودباوری، ایستادگی و شهامت به اعتراض پرداختند (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۵). از سال ۱۲۷۷ق به مدت بیش از یک دهه، شهر تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر با بحران کمیابی و کمبود شدید غلات و نان دست و پنجه نرم می‌کردند. در اینجا برای نمونه به یکی از این رساله‌ها اشاره می‌شود که به‌خوبی مسئله قحطی و کمبود مواد غذایی را نمایان می‌سازد.

1. Dearth (scarcity of cereal, famine)

محمد شفیع قزوینی، رساله کتابچه *قانون یا قانون قزوینی* را در حدود ۱۲۸۵ق خطاب به ناصرالدین‌شاه می‌نویسد که آن را در توضیح «پیشانی اهالی ایران و شرح جهات پیشانی رعیت ایران» (قزوینی، ۱۳۷۰: ۳۶) یا بحران اجتماعی و اقتصادی کشور تهیه کرده است. قزوینی، در این رساله به رخداد مهم روزگار ناصرالدین‌شاه یعنی کمیابی یا کمبود و «تنگی نان» و نسبت آن با «حکومت» پرداخته است. در فصل دوم این رساله که «بیان تنگی نان است در بعضی از بلاد ایران» که علت آن را «خبثت جماعت خباز» می‌داند که «صدمات بی‌حد و حصر به دولت و مملکت و مردم» رسانده‌اند. قزوینی تأکید می‌کند که با وجود خشکسالی در کشور، اگر دو سال دیگر هم گندمی در «محروسه» برداشت نشود، آنقدر غله «ممکن و موجود» هست که «کفایت خلق» کند و این «های و هوی خباز» به چند دلیل است: ۱. نرخ نان به خواهش طبع ایشان نیست؛ ۲. فقره ثانی از جهت بی‌پولی رعیت است. سایر مأكولات هم به دلیل «اغتشاش نان» ترقی دارد. «هر روز که دکان خبازی مغشوش می‌شود، سایر مأكولات ده‌چهار [اصطلاحی در قدیم به معنی چهل برابر شدن چیزی] بالا می‌رود». سپس داستانی را نقل می‌کند که این مضمون که «امیر مرحوم [امیرکبیر]» در سال‌های صدارت از او، «استفسار این معنی کرد که چه تدبیر به خیال تو می‌رسد، درباره جماعت خباز و وحشت خلق؟». قزوینی پاسخ می‌دهد: «در زمان نادرشاه تنگی نان در ایران به هم رسید و پادشاه در یک روز دوازده نفر از خباز را به قتل رسانیده چاره این جماعت نشد و پادشاه برآشفت. به وزیر خود گفت: «تدبیری بکن» ... میرزا مهدی‌خان گفت: این تنگی من باب نرخ است، و این شورش و وحشت و پیشانی خلق من باب کمی نان و های و هوی خباز است. بعد جماعت خباز را خواستند، و نرخ از ایشان برداشته، مدت قلیل نان وفور شد، و چشم خلق پر شده آرام گرفتند» (قزوینی، ۱۳۷۰: ۵۹-۵۷). در این نقل قول، دو سامانه مختلف تنظیمی و امنیتی برای کنترل کمیابی یا کمبود مطرح شده است؛ راهی که نادرشاه در تنبیه نانوایان در پیش می‌گیرد، مصداق سامانه تنظیمی و روش قزوینی مصداق سامانه امنیتی است.

۶. نقش کمیابی و بحران جمعیت در پیدایش زمینه‌های حکومت‌مندی مدرن دولت در ایران

ملاحظات بالا نشان می‌دهد که در چارچوب روش‌های حکمرانی و برای مدیریت سیاسی و اقتصادی جامعه ایران عصر ناصری، چه عملی در برابر رخداد کمیابی انجام می‌گرفت. راه مقابله با کمیابی در زمانی طولانی، در قالب نظامی مقرراتی-سیاسی قرار داشت؛ نظامی که به‌طور اساسی هدفش جلوگیری از کمبود غذا و غلات بود؛ به این معنا که هدف آن نه فقط توقف و حذف این کمبودها در صورت بروز بود، بلکه برای جلوگیری از آن و تضمین اینکه هرگز نتواند رخ دهد، کارکرد داشت. این یک نظام انضباطی و مقرراتی بود که به‌صورتی

انضمامی صوری کلاسیک به خود می‌گیرد: کنترل قیمت‌ها و کنترل حق انبار کردن کالاها، ممنوعیت احتکار کالا که به موجب آن باید بی‌درنگ و بلافاصله به فروش برسد، ممنوعیت ارسال غلات به خارج. پس مجموعه‌ای از نظارت‌های انضباطی بر قیمت، انبار کردن، صادرات و کشت اعمال می‌شود. اما قزوینی با نقل حکایت بالا، بر ناکامی این نظام ضدکمیابی تأکید می‌کند. سیاست «کمترین قیمت ممکن» نه تنها کمیابی را از بین نمی‌برد، بلکه ما را هر لحظه در معرض خطر کمبود قرار می‌دهد؛ یعنی در معرض همان رخدادی که قصد داشت از آن بپرهیزد. از نظر قزوینی، راه برون‌رفت از رخداد کمیابی و به تبع آن شورش‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی، نه نظارت‌های انضباطی، بلکه «آزاد کردن نرخ نان» است. وی حتی تأکید می‌کند که «آنچه پادشاه در این مدت‌ها جنس داده، به خباز به قیمت نازل به اطمینان رفاهیت رعیت به کلی از کیسه پادشاه و رعیت هدر رفته و آنچه صرفه خود نانوا بوده از آن قرار رفتار کرده، و باعث پریشانی خلق و تنگی نان همین است که پادشاه من باب رفاهیت رعیت خود گندم را با قیمت نازل داد که نان ارزان رعیت بخورند. برعکس خباز اسباب فراهم آورد، عالم را مغشوش کرد» (قزوینی، ۱۳۷۰: ۵۹).

این سازوکار پیشنهادی برای غلبه بر کمیابی و قحطی غلات و مواد غذایی، در واقع تحولی اساسی یا مرحله‌ای از تغییر عمده در روش‌های حکمرانی و عنصری بود در کاربست آنچه فوکو «سامانه امنیت»^۱ می‌نامد. اصل قیمت‌گذاری آزاد نان و غلات را می‌توان همچون مرحله‌ای در تحول فناوری‌های قدرت و مرحله‌ای در تأسیس این روش سامانه امنیت به‌شمار آورد که از دیدگاه فوکو، از ویژگی‌های نوعی جوامع مدرن است (فوکو، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۳). بدین‌سان، محمد شفیع قزوینی با نگرشی آرمان‌گرایانه، معتقد بود که نرخ آزاد نان سازوکار بسیار بهتری برای ایجاد امنیت در برابر تهدید کمیابی و به تبع آن شورش علیه حکومت است. در واقع، قزوینی رخداد کمیابی و قیمت‌های بالا را به‌طور اساسی شر به‌شمار نمی‌آورد، بلکه به‌مثابه پدیده «طبیعی» قلمداد می‌کرد که فقط هست، و خیر و شری برای آن متصور نیست. قزوینی با این‌گونه ایده‌پردازی بدیع و آرمانی، می‌کوشید به سازوکاری برای تنظیم امور برسد، که از کمیابی مطلق یا قحطی نیز جلوگیری کند. با آغاز صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار در ۱۲۸۸ق که این رخداد کمیابی، به قحطی بزرگی انجامید، کوشش‌هایی به‌عمل آمد تا طرز فکری را که میرزا شفیع قزوینی برای کنترل کمیابی و قحطی نان پیشنهاد داده بود، عملی کنند، که موفقیت‌هایی نیز در آن به‌دست آمد و شدت کمیابی تا حد زیادی کاسته شد. به این ترتیب، می‌توان گفت که این دو پدیده کمیابی و همه‌گیری، در واقعیت موضوع‌هایی مشترک‌اند که هر دو کم‌وبیش به مسئله توزیع می‌پردازند. توزیع در معنای بسیار وسیع کلمه مدنظر است؛ یعنی

حرکت، مبادله و تماس، همچون شکل پراکنش و شکل توزیع. مسئله این است که چگونه چیزها در گردش هستند یا در گردش نیستند؟ به عبارت دیگر، می‌توان گفت اگر پیش از آن مسئله ناظر بر ایمنی شهریار و قلمروش بود، اکنون از خلال این پدیده‌های آشکارا جانبی که برگزیدیم، ظهور مسئله‌ای متفاوت را مشاهده می‌کنیم که دیگر نه تثبیت و تحدید قلمرو، بلکه مجال دادن به وقوع توزیع‌هاست. کنترل و غربال کردن توزیع‌ها، تضمین اینکه امور همواره در حرکت باشند، مدام از نقطه‌ای به نقطه دیگر بروند و پیوسته در گردش باشند. اما، نه به نحوی که خطرهای ذاتی این گردش خنثی شود؛ به این معنا که در آبله‌کوبی یا واکسیناسیون مجال توزیع بیماری بین همه افراد جمعیت داده می‌شود، اما به شکلی کنترل‌شده از راه ویروس ضعیف‌شده ایمنی بدن را بالا می‌برند و در مورد کمیابی نیز با بهره‌گیری از روش آزادی نرخ و توزیع ساده غلات و مواد غذایی دیگر کمیابی نخواهیم داشت. بنابراین، دیگر نه ایمنی شهریار و قلمروش، بلکه امنیت جمعیت، و در نتیجه، کسانی که بر این جمعیت حکم می‌رانند، مورد توجه قرار می‌گیرد. به نظر این تغییری مهم است که به ظهور انگاره جمعیت انجامید (فوکو، ۱۳۹۹: ۱۱۳). افزون‌بر این، جمعیت در مقام سوژه جمعی جدیدی که برای اندیشه سیاسی سده‌های گذشته بیگانه است، پدیدار می‌شود. ظهور آن را می‌توان در مقام یک ابژه مشاهده کرد، یعنی آنچه سازوکارها بر آن و به‌سوی آن معطوف‌اند تا اثر خاصی بر آن بگذارند؛ در مقام سوژه ظاهر می‌شود، زیرا موظف می‌شود به شیوه خاصی عمل کند. حکومت برای اداره بهتر این جمعیت به‌ناچار باید روش‌های حکمرانی و سازوکارهای خود را تغییر دهد، و این تحول و نو شدن روش‌ها و فنون حکمرانی به معنای «حکومت‌مندی جدید دولت» است.

۷. نتیجه

در این پژوهش با بهره‌گیری از مفهوم حکومت‌مندی فوکو و روش تبارشناسی او، نخست نشان داده شد که در نتیجه وقوع برخی رخداد‌های خرد و حاشیه‌ای مانند همه‌گیری و کمیابی مواد غذایی، انگاره قدیمی جمعیت با مضمون و محتوایی نوظهور پیدا کرد. سپس برای اداره این جمعیت از فنون و روش‌های مختلفی بهره گرفته شد و به‌کارگیری این فنون نوین، شرایط را برای پیدایش دولت مدرن ایران عصر ناصر فراهم آورد. البته این حکومت‌مندی جدید در آن دوره، در مرحله‌ای از حیات خود قرار داشت که هنوز گام‌های ملموس و قطعی در جهت بالیدن و شکوفایی آن برداشته نشده بود. این حکومت‌مندی مدرن پیدایشی گشوده به تاریخ داشت که در نتیجه پیشامدها، خطاها، اشتباه‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها خصلتی چندوجهی به خود گرفت.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به موازات ظهور جمعیت و مسائل مبتلا به آن در عصر ناصری، نوعی حکومت‌مندی جدید در ایران پدیدار شد که از دو افزونه مجزا تشکیل می‌شد: وجهی که مبتنی بر سامانه امنیت بود و وجه دیگر مبتنی بر سامانه تنظیمی و انضباطی. در هر کدام از این دو وجه حکومت‌مندی جدید، روش و فنون خاصی برای اداره جمعیت تعبیه شده بود که از جهاتی با هم تمایز داشتند. در کنار آن ذهنیت حکمرانی دیرپای سنتی نیز با سویه‌های ویژه خود مانند استبداد و خودکامگی، به حیات خود ادامه می‌داد. نتیجه اینکه از ترکیب این سه نوع حکومت‌مندی، نمای عمومی دولت در جامعه معاصر ایران ساخته شد و تا به امروز نیز با برخی تغییر و تحول‌ها تداوم یافته است. بر این اساس، شاید بتوان گفت دولت در ایران عصر ناصری مفهومی زاده و بالیده در سنت حکمرانی ایرانی بود، که در حال تحول به کسوتی دیگر بود و در مسیری قرار گرفته بود که خواه‌ناخواه بر مبنای سنت ایرانی، شکل و قیافه‌ای مدرن به خود می‌گرفت.

تداوم سنت استبداد ایرانی، تحول دولت در ایران را با معضلی بزرگ مواجه ساخت که مانع از گذار منطقی آن از حکومت‌مندی سنتی به یکی از انواع حکومت‌مندی مدرن شد. از دیدگاه این پژوهشگران، راه برون‌رفت از این وضعیت استثنایی، وارد کردن «آزادی» به درون حکومت‌مندی جدید است؛ عاملی که مستبدان از همان آغاز مانع از تحقق آن شده‌اند. در اینجا باید آزادی به عنصر و جزء گریزناپذیر حکومت‌مندی تبدیل شود، زیرا یکی از شروط دولت مدرن عبارت است از اینکه آزادی، یا برخی صور مشخص آزادی، به‌طور کامل و واقعی مورد احترام حکومت باشند. ناتوانی از احترام به آزادی افراد و جمعیت تحت حاکمیت، نه‌تنها سوءاستفاده از حقوق در قانون، بلکه بیش از هر چیز حاکی از بی‌توجهی به هستی و تبار حکومت مدرن است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه‌ی سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲) *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
۲. آدمیت، فریدون؛ هما ناطق. (۱۳۵۶) *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.

۳. ابراهیم‌نژاد، هرمز. (۱۳۹۶) *نوسازی پزشکی و بهداشت عمومی در دوره قاجار*، ترجمه قربان بهزادیان‌نژاد. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
۴. احمدی، حمید. (۱۳۸۶) «دولت مدرن و اقوام ایرانی: نقد پارادایم‌های رایج»، در: رسول‌افضلی، دولت‌مدرن در ایران. قم: انتشارات مفید، ۴۱۲-۳۶۱.
۵. احمدی، حمید. (۱۳۸۷) *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*. تهران: نشر نی.
۶. اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۴، بهار) «دولت مشروطه و حکومت‌مندی مکانیکی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۱، ۱: ۲۱۵-۱۷۶. <DOI:10.22054/TSSQ.2015.1519>.
۷. اسمارت، بری. (۱۳۸۵) *میشل فوکو*، ترجمه لیلیا جوشقانی و حسن چاوشیان. تهران: اختران.
۸. باتامور، تام، و دیگران. (۱۳۷۸) *فرهنگ‌نامه اندیشه مارکسیستی*، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: بازتاب‌نگار.
۹. بشیریه، حسین. (۱۳۸۰) *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
۱۰. بهبهانی، ابوطالب. (۱۳۸۹) *منهاج‌العلی: رساله‌ای در باب حکومت قانون*، مصحح حوریه سعیدی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۱. پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸) *سفرنامه‌ی پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
۱۲. حاج سیاح، محمدعلی محلاتی. (۱۳۶۳) *سفرنامه حاج سیاح به فرنگ*، مصحح علی دهباشی. تهران: ناشر.
۱۳. حمیدی، سمیه؛ بیگم ناصری. (۱۳۹۸، پاییز) «انگاره‌های حکومت‌مندی مدرن در دوره پیشامشروطه؛ با تأکید بر رساله کشف‌الغرائب مجدالملک سینکی»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۰، ۲۰: ۴۵-۲۳. در: https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_9681_afa2c5b4838809f5a0402a64ed01c1af.pdf (۵ آبان ۱۳۹۹).
۱۴. *خداارضایی*، افسانه؛ و دیگران. (۱۳۹۸، تابستان) «بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی دوره قاجار از دیدگاه سفرنامه‌نویسان»، *مجله تاریخ پزشکی*، ۱۱، ۳۹: ۱۵-۳۰. <DOI:10.22037/mhj.v11i39.22199>.
۱۵. دبیرالملک فراهانی، محمدحسین. (۱۳۵۶) «رساله در اصلاحات»، در: فریدون آدمیت و هما ناطق، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*. تهران: نشر آگاه، ۴۴۸-۴۱۷.
۱۶. رحمانیان، داریوش؛ مهدی میرکبابی. (۱۳۹۲، پاییز و زمستان) «تأثیر بلوهای نان بر روابط حکومت و مردم در عصر ناصری»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۳، ۲: ۹۷-۶۵. در: https://socialhistory.ihcs.ac.ir/article_917_a24591738752b702a7161fe55b6ec95a.pdf. (۲۰ مهر ۱۳۹۹).
۱۷. سلیمی، حسین. (۱۳۹۴، تابستان) «دولت-ملت‌های مدرن و نسبت آن با منازعه»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۱، ۲: ۱-۲۰. <DOI:10.22054/TSSQ.2015.1803>.
۱۸. طالبوف تبریزی، عبدالرحیم. (۱۳۵۶) *کتاب احمد یا سفینه طالبی*. تهران: شبگیر.
۱۹. طباطبایی، جواد. (۱۳۹۱) *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی: گفتاری در شرایط امتناع علوم اجتماعی در تمدن اسلامی*. تهران: ثالث.
۲۰. طباطبایی، جواد. (۱۳۹۸) *ملت، دولت و حکومت قانون: جستار در بیان نص و سنت*. تهران: مینوی خرد.
۲۱. علیجانی، مهدی. (۱۳۹۳، بهار) «چالش‌های بهداشت عمومی در ایران عصر قاجار از دید سیاحان غربی»، *مجله تاریخ پزشکی*، ۶، ۱۸: ۷۰-۴۱. <DOI:10.22037/mhj.v6i18.9847>.
۲۲. عنصرالمعالی، کیکاووس. (۱۳۳۵) *قاپوس‌نامه*، مصحح امین عبدالمجید بدوی. تهران: آتشکده.

۲۳. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۶۱) *نصیحه الملوک*، مصحح جلال‌الدین همائی. تهران: چاپخانه مجلس.
۲۴. فلور، ویلم. (۱۳۸۶) *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور. بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.
۲۵. فوکو، میشل. (۱۳۹۰) *تولد زیست سیاست*، ترجمه رضا نجف‌زاده. تهران: نی.
۲۶. فوکو، میشل. (۱۳۷۸) *مراقبت و تنبیه (تولد زندان)*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
۲۷. فوکو، میشل. (۱۳۹۳) *تئاتر فلسفه: گزیده‌ای از درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشت‌ها، گفت‌وگوها و ...*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نی.
۲۸. فوکو، میشل. (۱۳۹۹) *امنیت، قلمرو، جمعیت: درس‌گفتارهای کولژ دو فرانس ۱۹۷۸-۱۹۷۷*، ترجمه محمدجواد سیدی. تهران: چرخ.
۲۹. فیرحی، داود. (۱۳۹۹، بهار) «ایران‌شهری و مسئله ایران»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۵، ۲۱: ۲۸-۱، <DOI:10.22054/tssq.2020.51268.858>.
۳۰. فیض‌کاشانی، ملا محسن. (۱۳۷۱) «آئینه‌شاهی»، در ده رساله محقق بزرگ فیض‌کاشانی، مصحح رسول جعفریان. اصفهان: مرکز تحقیقات علمی و دینی امام علی (ع)، ۱۷۷-۱۴۷.
۳۱. قزوینی، محمد شفیع. (۱۳۷۰) *قانون قزوینی: انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری*، به کوشش ایرج افشار. تهران: طایفه.
۳۲. کتابخانه ملی. (۱۳۷۳) *روزنامه‌ی وقایع‌تفاهیه*. تهران: کتابخانه ملی با همکاری دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ج ۱.
۳۳. گادامر، هانس گئورگ. (۱۳۹۰) *آغاز فلسفه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: هرمس.
۳۴. لمکه، توماس. (۱۳۹۵) *نقدی بر خرد سیاسی: بررسی تحلیل فوکو از طرز تفکر دولت مدرن*، ترجمه یونس نوربخش و محبوبه شمشادیان. تهران: دانشگاه امام صادق.
۳۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۲) *عین‌الحیات*، محقق مهدی رجایی. قم: انوار الهدی، ۲ ج.
۳۶. مجیرشیبانی، نظام‌الدین. (۱۳۴۶) *تشکیل شاهنشاهی صفویه: احیاء وحدت ملی*. تهران: دانشگاه تهران.
۳۷. مشکور، محمدجواد. (۱۳۶۳) *ایران در عهد باستان: در تاریخ اقوام و پادشاهان پیش از اسلام*. تهران: اشرفی.
۳۸. میلر، پیتر. (۱۳۸۴) *سوژه، استیلا و قدرت*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشر نی.
۳۹. نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن. (۱۳۴۷) *سیرالملوک (سیاست‌نامه)*، به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۶) «مطالعه تطبیقی تحول دولت مدرن در ایران و غرب»، در: رسول افضلی، *دولت مدرن در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۹۰-۱۶۳.
۴۱. وبر، ماکس. (۱۳۷۶) *دانشمند و سیاستمدار*، ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: سمت.
۴۲. هینتس، والتر. (۱۳۶۱) *تشکیل دولت ملی در ایران: حکومت آق‌قویونلوها و ظهور دولت صفوی*، ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: خوارزمی

ب) انگلیسی

43. Barjasteh, Sahar, et al., eds. (2003) *Oajar Era Health, Hygiene and Beauty*. Rotterdam: International Qajar Studies Association.
44. Bielskis, Andrius. (2009, January) "Power, History and Genealogy: Friedrich Nietzsche and Michel Foucault," *Problemos* 75: 73-84, <DOI:10.15388/Problemos.2009.0.1974>.
45. Foucault, Michel. (2009) *Security, Territory, Population: Lectures at the Collège de France, 1977-98*, trans. Graham Burchell. New York: MacMillan Palgrave.

46. Harding, Jan. (2005) "Rethinking Great Divide: Long-term Structural History and the Temporality of Event," *Norwegian Archaeological Review* 38, 2: 88-101, <DOI:10.1080/00293650510032707>.
47. Jessen, Mathias Hein; and Nicolai von Eggers. (2020, January) "Governmentality and Statification: Towards a Foucauldian Theory of the State," *Theory, Culture & Society* 37, 1: 53-72, <DOI:10.1177/0263276419849099>.
48. MacNeil, William H. (1976) *Plagues and Peoples*. New York: Anchor.
49. Morier, James. (1937) *The Adventures of Hajji Baba of Isfahan*, New York: Random House.
50. Tierney, Brian. (1982) *Religion, Law and the Growth of Constitutional Thought 1150-1650*. New York and Cambridge: Cambridge University Press.
51. World Health Organization (WHO). (2020, October 12) "Coronavirus Disease (Covid-19)," *WHO Q&A Hub*. Available at: <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019/question-andanswers-hub/q-a-detail/coronavirus-disease-covid-19> (Accessed 2 July 2019).
52. Wright, Denis. (2001) *The English amongst the Persians, Imperial lives in Nineteenth-Century Iran*. London: I.B.Tauris.



Research Paper

Modern Governmentality in Iran's Nasserite Era: The Emergence of Population and its Management Techniques

Alireza Sadra^{*1}, Ghasem Nemati²

¹ Professor, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² A PhD Candidate in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 31 January 2021, Accepted: 14 March 2022
© University of Tehran

Abstract

Modern state in Iran does not have a long history, considering that it has been established in the mid-nineteenth century. Due to its domestic and external conditions, this state has acquired unique characteristics. For this reason, the combination of traditional and modern governance as well as the various discourses and mechanisms of the modern state have influenced the public image of the state in Iranian contemporary society. To understand the special nature of the modern state in Iran, there is a need to analyze the historical stages through which the state has been evolving as a vital element in the lives of Iranians today. A large group of scholars attribute the formation of the modern state in Iran to the enactment and enforcement of the 1906 constitution (*Qānon-e asāsi-ye mashrotâh*) in Qajar era, or the rise of the first Pahlavi ruler in 1925. However, the authors in this paper argue that the conditions for the establishment of a modern state in Iran go back to the Nasserite era (decades before the adoption of the 1906 Constitution). The study of the origin of the modern state must go beyond the official histories and be concentrated on careful consideration of the relevant events. The occurrence of some seemingly insignificant and marginal events in the mid-Nasserite era gave rise to a new concept of population— one of the important consequences of which was a change in structures and processes of governance to better manage the population. The rulers had previously considered Iranian population to be without originality, authenticity, and independence, but the attitude of the ruling elites toward the public had been changing. The population was becoming one of the major elements of state power with the potential to overshadow other factors of power.

The main objective of this analysis is to find answers to the following research questions: 1. what conditions led to the emergence of modern

* Corresponding Author Email: sadra@ut.ac.ir

government in nineteenth-century Iran, especially in the Nasserite era? 2. How did events such as epidemics and food shortages lead to the rise of the population and the emergence of the modern state in Iran? Inspired by Michel Foucault's conceptualization of governmentality which includes the study of processes and approaches by which states oversee all aspects of citizens' lives, our research hypothesis has been formulated. It is asserted that the occurrence of certain events (epidemics and food scarcity) in Iran has given rise to a new concept of population which has in turn led to the transition to a new form of governmentality, initially based on two apparatuses of security and discipline. To find suitable answers to the research questions and test the hypothesis, we collect and analyze quantitative data in nineteenth-century treatises and documents, as well as in academic texts related to the formation of modern state in Iran. The conclusion is that the micro-events (smallpox epidemic and grain shortage) affected the various dimensions of the processes of the formation of Iran's modern state with its unique characteristics. Although other factors such as the gradual development of cities, the growth of urbanization, and the delimitation of the country's borders in this period have also contributed to the emergence of the population and the evolution of Iran's modern state, but the importance of these two events are undeniable. By understanding the origin and true nature of modern state in Iran, we will be able to deal with many pressing political and socio-economic problems. This is a useful endeavor, given the urgency of addressing challenges facing the country today through effective governance.

Keywords: Iran, Modern State, Nasserite Era, Epidemic, Food Scarcity

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-0185-9883>

References

- Adamiat, Feraydoon. (1972) *Amir Kabir va Īrān (Amir Kabir and Iran)*. Tehran: Kharazmi. [in Persian]
- Adamiat, Feraydoon; and Homa Nategh. (1977) *Afkār-e ejtemā'i, siyāsī va eghtesādī dar āsār-e montasher'nashodeh-ye dorān-e Oāijār (Social, Political and Economic Thoughts in Unpublished Works of the Qajar Period)*. Tehran: Agah. [in Persian]
- Ahmadi, Hamid. (2007) "Dolat-e modern va aghvām-e Īrāni: naghde paradim'hā-ye rāyej (Modern State and Iranian Ethnicities: A Critique of Prevalent Paradigms)," in Rasoul Afzali, ed. *Dolat-e modern dar Īrān (Modern State in Iran)*. Qom: Mofid, 412-361. [in Persian]

- . (2008) *Qhomiyat va qhom'garāi dar Īrān (Ethnicity and Ethnocentrism in Iran)*. Tehran: Nay. [in Persian]
- Alijani, Mehdi. (2014, Spring) "Chālesh'hā-ye behdāsh-e omomi dar Īrān asr-e Qājār az did-e sayā'hān-e gharbi (Public Health Challenges in Qajar Era from the Western Explorers' Point of View," *Majaleh-ye tārikh-e pezeshti (Medical History Journal)* 6, 18: 41-70, <DOI:10.22037/mhj.v6i18.9847>. [in Persian]
- Barjasteh, Sahar, et al., eds. (2003) *Qajar Era Health, Hygiene and Beauty*. Rotterdam: International Qajar Studies Association.
- Bashiriveh, Hossein. (2001) *Mavāne'-e tose'-ye siyāsī dar Īrān (Obstacles to Political Development in Iran)*. Tehran: Gaameno. [in Persian]
- Behbahani, Aboutaleb. (2010) *Minhāj'ol alā; resāleh'ī dar bāb-e hokomat-e ghānon (Minhaj Al-Ala: A Treatise on the Rule of Law)*, ed. Hourieh Saeedi. Tehran: Miras-e Maktob Heritage Research Center. [in Persian]
- Bielskis, Andrius. (2009, January) "Power, History and Genealogy: Friedrich Nietzsche and Michel Foucault," *Problemos* 75: 73-84, <DOI:10.15388/Problemos.2009.0.1974>.
- Bottomore, Tom, et al., eds. (1999) *Farhang'nāmeḥ-'i andishe-ye marksistī (A Dictionary of Marxist Thought)*, trans. Akbar Masoom Beigi. Tehran: Baztab Negar. [in Persian]
- Dabir al-Mulk Farahani, Mohammad Hossein. (1977) "Resāleh dar eslāhāt (Treatise on Reforms)," in Feraydoon Adamiyat and Homa Nategh, eds. *Afkār-e eitemā'i, siyāsī va eghtesādī dar āsār-e montasher'nashodeh-ye dorān-e Qājār (Social, Political and Economic Thoughts in Unpublished Works of the Qajar Period)*. Tehran: Agah, 448-417. [in Persian]
- Ebrahimnejad, Hormoz. (2017) *Nosāzī-ye pezeshti va behdāsht-e omomi dar doreh-ye Qājār (Modernization of Medicine and Public Health in the Qajar Era)*, trans. Ghorban Behzadiannejad. Tehran: Research Institute of Islamic History. [in Persian]
- Eslami, Rohollah. (2015, Winter) "Dolat-e mashroteh va hokoomat-e mechānikī (Constitutional State and Mechanical Governmentality)," *Fasl'nāmeḥ-'i dolat'pajohi (State Studies Quarterly)* 1. 1: 176-215, <DOI: 10.22054/TSSQ.2015.1519>. [in Persian]
- Fayz Kāshānī, Mollā Mohsen. (1941) "Ayeneh Shahi," in Rasoul Jafarian, ed. *Dah resāle-e mohaghegh-e bozorg feyz-e Kāshānī (Ten Treatises of the Great Scholar Feyz Kāshānī)*. Isfahan: Imam Ali Scientific and Religious Research Center, 177-147. [in Persian]
- Feirahi, Davoud. (2020, Spring) "Īrān'shahri va masa'leh-ye Īrān (Iranshahri and the Iranian Issue)," *Fasl'nāmeḥ-'i dolat'pajohi (State Studies Quarterly)* 5, 21: 1-28, <DOI:10.22054/tssq.2020.51268.858>. [in Persian]
- Floor, Willem. (2007) *Salāmat-e mardom dar Īrān-e Qājār (Public Health in Qajar Iran)*, trans. Iraj Nabipour. Bushehr: Bushehr University of Medical Science. [in Persian]
- Foucault, Michel. (1999) *Morāghebat va tanbih: tavalod-e zendān (Discipline and Punish: The Birth of the Prison)*, trans. Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh. Tehran: Nay. [in Persian]

- . (2009) *Security, Territory, Population: Lectures at the Collège de France, 1977-1978*, trans. Graham Burchell. New York: MacMillan Palgrave.
- . (2011) *Tavalod-e zist'siyāsāt (The Birth of Biopolitics)*, trans. Reza Najafzadeh. Tehran: Nay. [in Persian]
- . (2014) *Teātr falsafeh: gozine'ī az dars'goftār'hā, Kotāh'neveshte'hā, goftegoh'hā, va...(Philosophy Theater: Excerpts from Lectures, Short Writings, Interviews...)*, trans. Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh. Tehran: Nay. [in Persian]
- . (2020) *Amniyat, ghalamro, jame'yāt: dars'goftār'hā-ye kalej do frāns (Security, Territory, Population: Lectures at the Collège de France 1977-1978)*, trans. Mohammad Javad Seyyedi. Tehran: Charkh. [in Persian]
- Gadamer, Hans-Georg. (2011) *Āghāz-e falsafeh (The Beginning of Philosophy)*, trans. Ezzatollah Fooladvand. Tehran: Hermes.
- Ghazali, Abū Hāmid Muḥammad. (1982) *Nasiḥat al-Mulūk*, ed. Jalaluddin Huma'i. Tehran: Majlis Publishing. [in Persian]
- Hājj Sayyāh, Mirzā Moḥammad 'Ali Maḥallāti. (1984) *Safar'nāmeḥ-'i hājj savāḥ be farang (Haj Sayyah's Travelogue to Europe)*, ed. Ali Dehbāši. Tehran: Nasher. [in Persian]
- Hamidi, Somaye; and Beigom Naseri. (2019, Fall) "Engāre'hā-ye hokoomat'mandi-ye modern dar doreh-ye pisha'mashroteh; bā takid bar resāle-ye kashf'ol qharāyeb majdol'molk-e sinki (Images of Modern Governmentality in Pre-constitutionality: Focusing on Treatise of Discovery of Unusual by Majd Al-Molk Sinki)," *Tarikh'nāmeḥ-'i Īrān bad az eslām (Journal of Iranian Islamic Period History)* 10, 20: 23-45. Available at: https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_9681.html (Accessed 26 October 2020). [in Persian]
- Harding, Jan. (2005) "Rethinking Great Divide: Long-term Structural History and the Temporality of Event," *Norwegian Archaeological Review* 38, 2: 88-101, <DOI:10.1080/00293650510032707>.
- Hintz, Walter. (1982) *Tashkil-e dolāt-e melli dar Īrān: hokomat-e āgh'ghoyonlo'hā va zohor-e dolāt-e safavi (The Formation of a National State in Iran: the Rule of the Agh Oavinlus and the Emergence of the Safavid State)*, trans. Kikaus Jahandari. Tehran, Kharazmi. [in Persian]
- Jessen, Mathias Hein; and Nicolai von Eggers. (2020, January) "Governmentality and Statification: Towards a Foucauldian Theory of the State," *Theory, Culture & Society* 37, 1: 53-72, <DOI: 10.1177/0263276419849099>.
- Khodarezaye, Afsaneh, et al. (2019, July) "Baresi-ye vaze'yat-e behdāshti va pezeshki dorān-e Qājār az didgāh-e safar'nāmeḥ'nevisān (Investigating the Health and Medical Status of the Qajar Period from the Point of View of Travel Writers)," *Majaleh-ye Tārikh-e pezeshki (Medical History Journal)* 11, 39: 15-30, <DOI: 10.22037/mhj.v11i39.22199>. [in Persian]
- Lemke, Thomas. (2016) *Naghdi bar kherad-e siyāsi: Baresi-e foko az tarz-e fekr-e dolāt-e modern (A Critique of Political Reason: Foucault's*

- Analysis of Modern Governmentality*), trans. Younes Nourbakhsh and Mahboubeh Shamsadian. Tehran: Imam Sadegh University. [in Persian]
- MacNeil, William H. (1976) *Plagues and Peoples*. New York: Anchor.
- Majlisi, Mohammad Baqir. (2003) *'Ayn al-Ḥayāt*, ed. Mehdi Rajaei. Qom: Anwar al-Hoda. [in Persian]
- Mashkur, Mohammad Javad. (1984) *Īrān dar ahd-e bāstān: dar tārikh-e aghvām va pādeshā'hān-e pish az Eslām (Iran in Ancient Era: in the History of Pre-Islamic Tribes and Kings*. Tehran: Ashrafi. [in Persian]
- Miller, Peter. (2005) *Soje, estilā va ghodrat (Subject, Domination and Power)*, trans. Niko Sarkhosh and Afshin Jahandideh. Tehran: Nay. [in Persian]
- Morier, James. (1937) *The Adventures of Hajji Baba of Isfahan*, New York: Random House.
- Mujir Sheybani, Nizamuddin. (1967) *Tashkil-e shāhanshā'hi-e safaviyeh: ehyā'-ye Vahdat-e melli (Formation of Safavid Empire: Revival of National Unity)*. Tehran: University of Tehran. [in Persian]
- Naqibzadeh, Ahmad. (2007) "Motāle'-ye tatbighi-e tahavol-e dolāt-e modern dar Īrān va gharb (A Comparative Study of the Evolution of Modern Government in Iran and the West)," in Rasoul Afzali, ed. (*Dolāt-e modern dar Īrān (Modern State in Iran)*). Qom: Mofid University Press, 190-163. [in Persian]
- National, Library. (1994) *Roz'nāmeḥ-i Vaghāyeh Ettefāghiyeh (Vaghāyeh Ettefāghiyeh Newspaper)*. Tehran: National Library in Collaboration with Bureau of Media Studies and Research, Vol. 1. [in Persian]
- Nizam al-Mulk Tusi, Abu Ali Hasan. (1968) *Siyar al-mulūk (Siyāsat'nāmeḥ)*, ed. Hubert Darke. Tehran: Nashr-e Ketāb. [in Persian]
- Onṣor-al-Ma'ālī, Kaykāvus. (1956) *Qabos'nāmeḥ*, ed. Amin Abdolmajid Badavi. Tehran: Atashkadeh. [in Persian]
- Pollock, Jacob Edward. (1989) *Safar'nāmeḥ-i polak: Īrān va Īrāniān (Pollock's Travelogue: Iran and Iranians)*, trans. Kikavous Jahandari. Tehran: Kharazmi. [in Persian]
- Qazvini, Mohammad Shafi'i. (1991) *Ghānon-e qazvini: enteghād-e ozāe' ejtemā'i dar Īrān-e asr-e nāseri (Qazvini Law: Critique of the Social Situations in Iran of Nasserite Era)*, ed. Iraj Afshar. Tehran: Talaieh. [in Persian]
- Rahmaniyan, Darioush; and Mehdi Mirkiaee. (2013-2014, Autumn and Winter) "Ta'sir-e balvā'hā-ye nān bar ravābet-e hokomat va mardom dar asr-e nāseri (The Impact of Bread-Related Riots on the Relation between People and the Government in the Nasserite Era)," *Tahghighāt-e tārikh-e ejtemā'i (Social History Studies)* 3, 2 (6): 65-97. Available at: https://socialhistory.ihs.ac.ir/article_917_24591738752b702a7161fe55b6ec95a.pdf (Accessed 11 October 2020). [in Persian]
- Salimi, Hossien. (2015. Summer) "Dolāt-mellāt'hā-ye modern va nesbat-e ān bā monāze' (Modern Nation-States and the Conflict)," *Faslnāmeḥ-i dolat'pajohi (State Studies Quarterly)* 1, 2: 20-1, <DOI:dx.doi.org/10.22054/TSSQ.2015.1803>. [in Persian]

- Smart, Barry. (2006) *Michel Foucault*, trans. Leila Joshaghani and Hassan Chavoshian. Tehran: Akhtaran. [in Persian]
- Tabatabai, Javad. (2012) *Ebn-e khaldon va oloom-e ejtemā'i*: Goftari dar sharayet-e emtena'-e oloom ejtemā'i dar tamadon-e *eslāmi (Ibn Khaldun and Social Science: A Discourse on the Terms of the Refusal of Social Science in Islamic Civilization)*. Tehran: Sales. [in Persian]
- . (2019) *Mellat, dolat va hokomat-e qānon (Nation, State and Rule of Law: An Essay on the Expression of Text and Tradition)*. Tehran: Minooye Kherad. [in Persian]
- Talibov Tabrizi, Abdul Rahim. (1977) *Ketāb-e ahmad vā safin'-ye tālebi (Ahmad' Book or Talebi's Treatise)*. Tehran: Shabgir. [in Persian]
- Tierney, Brian. (1982) *Religion, Law and the Growth of Constitutional Thought 1150-1650*. New York: Cambridge University Press.
- Weber, Max. (1997) *Dānesh'mand va Siyāsat'madar (Scientist and Politician)*, trans. Ahmad Naghibzadeh. Tehran: Samt. [in Persian]
- World Health Organization. (WHO). (2020, October 12) "Coronavirus Disease (Covid-19)," *WHO Q&A Hub*. Available at: <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019/question-and-answers-hub/q-a-detail/coronavirus-disease-covid-19> (Accessed 2 July 2019).
- Wright, Denis. (2001) *The English amongst the Persians, Imperial lives in Nineteenth-Century Iran*. London: I.B.Tauris.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.